

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران زهرا اعظمی^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۱/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

چکیده

مطالعه بستر طبیعی و فرهنگی دوره قاجار در تهران، به ارتباط میان کوهستان، کوهپایه‌ها و شهر اشاره دارد. شکل و بستر زمین، آب‌وهوای مناسب برای کشاورزی و باغداری بستر شکل‌گیری شهر را فراهم کرد. تأثیرپذیری از غرب و سفر رجال قاجار به غرب سبب تغییر ساختار باغ‌های تهران در گذر به کوهپایه‌ها شد و باغ-قصرهای قاجار، باغ-عمارت‌های رجال قاجار و خانه-باغ‌ها در کوهپایه‌ها شکل گرفتند. با توسعه شهر و گسترش آن در دوره‌های بعدی، افزایش جمعیت و نیاز به مسکن، سبب از بین رفتن بسیاری از باغات و زمین‌های کشاورزی در کوهپایه‌های شمیران و جایگزین شدن سکونتگاه‌ها و در دهه‌های اخیر برج‌های تجاری و مسکونی به جای ساختار باغ-عمارت‌ها، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی گردید. این جریان بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های طبیعی محیط، هویت مکان، فرهنگ و ارزش‌های محله‌ای موجود در این مناطق کوهپایه‌ای و برقرار نکردن تعامل صحیح ساختارهای انسان‌ساز و محیط طبیعی پیرامون وی صورت گرفت. پیامد آن در عصر حاضر، رشد روند زوال و نابودی باغ-عمارت‌ها و تکه تکه شدن مناظر شهری است.

پژوهش حاضر از نوع تاریخی-تفسیری است و از طریق بررسی متون تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات و نیز اسناد و مدارک تصویری شامل عکس‌ها و نقشه‌ها و مطالعات میدانی به بررسی نحوه شکل‌گیری و تغییر ساختار فضایی و الگوی باغ-عمارت‌های بیلاقی قاجار در یک محدوده شهری انتخابی در تهران در گذر زمان می‌پردازد. همچنین مؤلفه‌های تأثیرگذار محیطی (بستر طبیعی)، انسانی (ارزش‌های فرهنگی) و اجتماعی در شکل‌گیری منظر شهری آن محدوده شهری به منظور حفظ حیات و ماندگاری آن بررسی می‌گردد.

نتایج نشان داد که ساختار فضایی محدوده شهری مورد مطالعه را باغ-عمارت‌های بیلاقی و خصوصی در مقیاس بزرگ، باغ-خانه یا باغچه-خانه در مقیاس کوچک تعریف شده است. توسعه و رشد شهر تهران در مناطق کوهپایه‌ای براساس تعامل دو سویه توان محیط طبیعی (باغ‌ها، مزارع، شیب زمین و رود-دره‌ها) و شهر بوده است. بخش وسیعی از باغات موجود در این قطعه شهری متعلق به سازنده فرمانفرما از رجال قاجار و باغ ابوالحسن دیبا، حاج خلیلی، خاندان اسکویی به همراه باغ-عمارت‌های کوچک بوده است. ساختار فضایی آن‌ها شامل باغ-عمارت و مسیرهای ارتباطی به صورت کوچه‌های تنگ و بن بست (کوچه-باغ) بوده است. ساختار این باغات، متفاوت با الگوی رایج باغسازی سنتی ایرانی-مبتنی بر محور و نظم هندسی-است؛ تلفیقی از الگوهای سنتی ایرانی و غربی در ساختار باغ-عمارت‌ها مشاهده می‌شود. علاوه بر این، منظر باغ-عمارت‌های بیلاقی تعریف جدیدی در گذر از باغ‌های درون حصار به کوهپایه‌های بیلاقی پیدا کرد. بدین صورت که ارتباط بصری میان عمارت‌های اصلی و مناظر دوردست اهمیت یافت.

کلمات کلیدی: قطعه شهری، باغ-عمارت بیلاقی، ساختار فضایی، بستر طبیعی، سلسله قاجار

۱. دانشجوی دکتری معماری. گروه معماری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. zahraazami12@gmail.com
این مقاله برگرفته از یافته‌های طرح پژوهشی "بررسی نحوه شکل‌گیری فراگمان‌های شهری شمیران در دوره قاجار" است؛ که در درس "معماری و طبیعت" در مقطع دکتری، در سال ۱۳۹۷ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی انجام شده است.

۱. مقدمه

با مطالعه بستر طبیعی و فرهنگی دوره قاجار، می‌توان به ارتباط میان کوهستان، کوهپایه‌ها و شهر پی برد. شکل و بستر زمین، آب‌وهوای مناسب و مساعد برای کشاورزی و باغداری و شکلگیری شهر فراهم کرد. به عبارتی باغ‌ها توان محیطی پنهان شهر تهران را آشکار کردند و سبب نظم بخشیدن به اکوسیستم شهر شدند. آنچه که پیش‌تر در دوره صفوی در اصفهان نیز رخ داد و عبارت شهر در باغ بیانگر این موضوع است.

با نگاهی به نقشه‌های تهران قدیم در دوره قاجار، باغ-عمارت‌های بیشماری در درون حصار و در بیرون حصار در امتداد مسیرها و کوهپایه‌های شمیران شکل گرفتند. ارتباط با غرب در عرصه‌های مختلف به ویژه بر معماری و ساختار شهر و باغسازی آن تاثیر گذاشت و سبب تغییر ساختار باغ در گذر به کوهپایه‌ها شد و ویلا-باغ‌ها در کوهپایه‌ها شکل گرفتند. با توسعه شهر و گسترش آن در دوره‌های بعدی و هجوم مهاجران، افزایش جمعیت و نیاز به مسکن، زیرساخت‌های شهری و ترافیک، سبب جایگزینی ساختار باغ-ویلاها، باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی با سکونتگاه‌ها گردید و تعادل انسان و طبیعت رو به نابودی نهاد. این امر که بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های طبیعی محیط، ویژگی‌های ذاتی مکان، فرهنگ و ارزش‌های محله‌ای موجود و برقرار نکردن تعامل صحیح انسان و محیط طبیعی پیرامون وی صورت گرفت، سبب از هم گسیختگی ساختار شهر، زوال و نابودی مناظر شهری، تکه‌تکه شدن آن‌ها و از بین رفتن ساختارهای اکولوژیکی و طبیعی شهر شده است.

پژوهش حاضر از نوع تاریخی-تفسیری است و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی متون تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات سلاطین و رجال سیاسی؛ نقشه‌ها و مدارک تصویری و همچنین مطالعات میدانی (مشاهده و مصاحبه) بر پایه استدلال منطقی، در پی یافتن علل شکل‌گیری ساختار قطعه شهری مورد مطالعه شامل باغ-عمارت‌هایی بیلاقی دوره قاجار و تغییرات شکلی-ساختاری آن در گذر زمان است. براساس این مطالعه، می‌توان به پیش‌بینی وضعیت آینده قطعه شهری مذکور، نحوه برخورد در جهت بازسازی آن و همچنین راهکارهایی در جهت حفظ و ماندگاری لایه‌های اکولوژیکی و فرهنگی آن به منظور ارتقاء و تداوم حیات شهری آن رسید.

۱-۱. اهداف

این پژوهش با بررسی اسناد نوشتاری متون تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات سلاطین و رجال سیاسی و نیز مدارک تصویری و مطالعات میدانی؛ با تکیه بر استدلال استقرائی، در پی یافتن علل شکلگیری ساختار محدوده شهری انتخابی در تهران شامل باغ-عمارت‌هایی بیلاقی دوره قاجار و تغییرات کلیدی-فضایی و اجتماعی-فرهنگی آن در گذر زمان و شناسایی عناصر ماندگار آن است. براساس این مطالعه، می‌توان به پیش‌بینی وضعیت آینده قطعه شهری، نحوه برخورد در جهت بازسازی آن و همچنین راهکارهایی در جهت حفظ و ماندگاری لایه‌های اکولوژیکی و فرهنگی آن به منظور ارتقاء و تداوم حیات شهری آن رسید.

۱-۲. ضرورت و اهمیت

توسعه و رشد شهری امری اجتناب‌ناپذیر است. ولی آنچه در روند توسعه مهم است، در نظر گرفتن اهمیت یکپارچگی ساختارهای طبیعی و انسان‌ساز و به عبارتی نگاه توأمان به ساختارهای اکولوژیکی (وجه عینی) و اداری (وجه ذهنی) همچون فرهنگ، اجتماع، تاریخ، خاطرات و تصاویر ذهنی و... است. در نظر گرفتن این موارد سبب حفظ حیات شهری تهران، بقاء و یکپارچگی محیط زیست شهری می‌شود. توسعه شهر تهران در بسیاری از قطعات شهری بخصوص شمال تهران (شمیرانات) که روزگاری از طبیعت و آب و هوای بکر برخوردار بوده است؛ بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های طبیعی محیط، ویژگی‌های ذاتی آن، فرهنگ و ارزش‌های محله‌ای موجود و برقرار نکردن تعامل صحیح انسان و محیط طبیعی پیرامون وی صورت گرفته است. این موضوع سبب از هم گسیختگی بافت شهری، زوال و نابودی مناظر آن، تکه تکه شدن آن‌ها و از بین رفتن ساختارهای اکولوژیکی و طبیعی شهر شده است. بدین منظور شناخت و چگونگی شکلگیری طبیعی قطعات شهری با ارزش در منطقه شمیران می‌تواند در بازسازی، توسعه آن و تصمیم‌گیری‌های آینده در خصوص آن‌ها مؤثر واقع شود.

-سؤالات پژوهش

۱- علل و نحوه شکلگیری قطعه شهری انتخابی و باغ-عمارت‌های آن و تغییرات فرهنگی آن در طی زمان به چه صورت بوده است؟

۲- جو اجتماعی و فرهنگی حاکم بر اعیان قاجار چگونه در ساختار خانه-باغ‌های بیلاقی آن‌ها در قطعه شهری مورد مطالعه در شمیران بارتاب یافته است؟

۳- تغییرات ناشی از گسست و تکه تکه شدن منظر و محیط قطعه شهری مورد نظر در طول زمان کدام‌اند؟

-فرضیات پژوهش

به نظر می‌رسد ساختارهای طبیعی همچون زمین‌های شیبدار، رود-دره‌ها (آب قنات)، باغات و زمین‌های کشاورزی، درختان انبوه و همچنین الگوبرداری از باغ و قصر سازی‌های اروپایی در دوره قاجار در شکلگیری ساختار کالبدی-فضایی و شیوه زیست در فضاهای باغ-عمارت‌های قاجار مؤثر بوده است. می‌توان در ساختار باغ-عمارت‌ها ترکیبی از فرهنگ ایرانی و غربی را در کالبد و سبک زندگی رجال قاجار در بیلاقیات شمیران ردیابی نمود.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه ساختار شکل‌دهنده باغ-خانه‌های بیلاقی خصوصی رجال قاجار در شمیران (از جمله فرمانفرما) و دگرگونی‌های آن، بدون مطالعه بستر طبیعی و محیطی تهران و کوهپایه‌های آن و همچنین ساختار خانواده، شیوه و فرهنگ زندگی رجال ثروتمند قاجار، امری ممکن نیست؛ به این ترتیب مطالعه سفرنامه‌ها، خاطرات و مصاحبه‌ها و کتب مربوط به تاریخ جغرافیایی و اجتماعی-فرهنگی تهران و شمیران در عصر قاجار ضروری است. از جمله منابع دست اول می‌توان به: دختری از ایران، خاطرات ستاره فرمانفرانیان (۱۳۸۳)، زیر نگاه پدر خاطرات مهرماه فرمانفرمائیان (۱۳۹۳)، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه (۱۳۲۴) و شرح زندگانی عبدالله مستوفی (۱۳۳۱ و ۱۳۲۱) و همچنین سفرنامه‌های خارجی‌ان در دوره قاجار همچون سفرنامه مادام کارلا سرنا و لیدی شیل، مسیو اولیویه، مادام دیولافوا، پولاک و موارد مشابه اشاره کرد. توصیف باغ‌های تهران و عمارت‌های آن، قصرهای بیلاقی اشراف و اعیان رجال در کوهپایه‌ها، و باغات بیلاقی سفارتخانه‌ها و همچنین نحوه کاشت درختان و گیاهان، نوع پوشش گیاهی و توصیف فضای باغ‌ها در این نوشتارها یافت می‌شود. علاوه بر این نحوه زیست افراد و اجتماع و فرهنگ اعیان و مردم در زمان قاجار نیز در این متون قابل خوانش است. مصاحبه‌ها و مستندات موجود در سایت اینترنتی دنیای زنان در عصر قاجار (دانشگاه هاروارد) و مصاحبه‌های همشهری محله منطقه یک شمیران با ساکنان محلی منطقه، و مصاحبه‌های نگارندگان با ساکنین قدیمی محل به غنی کردن یافته‌ها کمک شایانی کرد. در این زمینه منابع معتبر دیگری شامل نوشته‌های ملیحه حمیدی در باب ساختار تهران، مهندس ستوده (۱۳۸۱) و کریستف لودو (۱۳۷۹) در باب شمیران و باغ‌های آن، مقالات دکتر هما ایرانی بهبهانی (۱۳۸۲، ۱۳۹۳) در رابطه با ساختار باغ‌های قاجار در تهران، منصوره اتحادیه (۱۳۹۵) و جعفر شهری (۱۳۶۹) قابل ذکر هستند، که شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن دوره را مورد بررسی قرار داده‌اند. به این ترتیب، از طریق متون یادشده، ساختار خانواده اشراف قاجار، باغ-خانه‌های بیلاقی و فرهنگ زندگی در آن‌ها در گذر زمان مورد ملاحظه قرار گرفته است. آنچه در این میان مهم است مطالعه دقیق و تحلیلی این آثار به منظور استخراج بستر شکلگیری باغات بیلاقی در محدوده شهری مورد مطالعه و استخراج ساختار فضایی آن‌ها است.

۳. بررسی و مطالعات

۳.۱. منظر اکولوژیک

شهر همچون موجودی زنده، سیستمی انسجام یافته است، که هر گونه تغییر در آن بدون توجه به اجزاء مرتبط و پیرامونی آن می‌تواند پیامد غیر قابل جبرانی به همراه داشته باشد. از آنجا که غلبه بر طبیعت ممکن نیست بنابراین لازم است میزانی از پایداری و وابستگی به طبیعت را پذیرفت (برانت لند، ۱۹۸۷).

به منظور شناخت و تحلیل یک منظر، از رویکردهای مختلفی استفاده می‌شود. باید بررسی کرد که از نقطه نظر صاحب نظران، منظر چه تعریفی دارد و مولفه‌های آن کدام‌اند تا بتوان آن را تحلیل کرد؛ زیرا تغییر در ساختار فضایی در هر دوره زمانی، طبیعت پیرامون را تغییر می‌دهد و این تغییرات ساختار منظر را شکل می‌دهند. در نتیجه با تغییر فرهنگی-اجتماعی در هر دوره تعریف منظر، مؤلفه‌ها و معیارهای ارزیابی آن تغییر می‌کند.

در نیمه دوم قرن بیستم جنبه‌های اکولوژیکی منظر مورد توجه قرار می‌گیرد. هدف اکولوژیست‌ها شناسایی کامل لایه‌های تشکیل دهنده هر مکان است. امروزه اکولوژی منظر توسط طیف مختلفی از مجامع علمی از معماران منظر، اندیشمندان حوزه اکولوژی، جغرافی‌دانان و اندیشمندان علوم اجتماعی دنبال می‌شود. از صاحب‌نظران مطرح در این زمینه در قرن بیستم، می‌توان به مک هارگ اشاره کرد. از دیدگاه وی، هر مکان سر جمع فرآیندهای طبیعی است، به عبارتی محصول عملی جمعی فرآیندهای تاریخی، فیزیکی و زیست‌شناسی است و دارای ارزش‌های اجتماعی می‌باشد. همه این فرآیندها پویا هستند. پیش از هر توصیه‌ای برای استفاده از این منابع طبیعی ضروری است که این ارزش‌ها که در ذات فرآیندهای طبیعی است شناخته شوند (مک هارگ، ۱۳۸۹، ۱۰۴).

پس از آن، رویکردهای همچون منظر عینی-ذهنی مطرح شد. این نوع نگاه در میان نظریه‌پردازان منظر و بخصوص کنوانسیون اروپایی منظر دیده می‌شود. در تعریف معاهده اروپا از منظر آمده است: «بخشی از سرزمین، آن طور که توسط مردم ادراک می‌شود و ویژگی‌های آن نتیجه برهم کنش عوامل طبیعی و انسانی است» (Council of Europe, 2000) بنابراین انسان و فرهنگ وی به عنوان جزئی از منظر هستند.

در سال‌های اخیر رویکردی با عنوان کل‌نگر یا اکولوژیکی-ادراکی مطرح شده است. این رویکرد به دنبال ارائه تعاریف جدید از نوع ارتباط میان انسان و طبیعت و راهکارهای حفظ و احیای ارزش‌ها و سرمایه‌های طبیعی مناظر است. این نگرش، بر ارزیابی تمامی ویژگی‌های موجود بستر، اعم از ویژگی‌های اکولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بستر و طراحی و برنامه‌ریزی منطبق با این ویژگی‌ها تأکید دارد (حاج غنی و دیگران، ۱۳۹۴، ۶۴).

در میان رویکردهای ذکر شده به نظر می‌رسد، رویکرد متأخرتر برای شناخت و تحلیل ساختار قطعه شهری مورد نظر و لایه‌های تغییرات آن در طی زمان مناسب باشد. با این نگاه که شهر و منظر آن یک مجموعه‌ای پیچیده از اکوسیستم‌ها است و تعامل دوسویه فرآیندهای طبیعی و اکولوژیک با انسان (فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنولوژی و تصاویر ذهنی افراد) مناظر شهری را می‌سازد. در خصوص قطعه شهری مورد مطالعه در این پژوهش باید لایه‌های فیزیکی و عینی و تعامل آن‌ها با لایه‌های فرهنگی و اجتماعی در طی زمان بررسی و تحلیل شود، تا بتوان بستر و مطالعات لازم در جهت ارائه راهکارهایی در توسعه این قطعه شهری نه به معنای توقف بلکه به معنای ماندگاری و پیوستگی آن، در آینده را فراهم کرد.

۳.۲. بستر شکل‌گیری خانه-باغ‌های ییلاقی تهران در دوره قاجار

کلانشهر امروز تهران، در گذشته دهی کوچک از منطقه ری بوده است. نخستین نوشته غیر ایرانی درباره تهران سفرنامه کلاویخو^۱ است. وی در سال ۸۰۷ ه.ق و به هنگام عبور از ری و تهران اطلاعاتی بسیار مفید درباره این دو محل به دست آورده است. وی ذکر کرده که تهران در ناحیه‌ای به نام ری واقع شده است و این ناحیه فوق العاده پهناور و حاصلخیز بوده و در قلمرو حکومت داماد تیمور است (کلاویخو، ۱۳۷۴، ۳۷). احمد رازی در تکره هفت اقلیم (نوشته شده در ۱۰۰۲ ه.ق) می‌نویسد: «طهران به واسطه انهار جاریه و اشجار مثمره و باغات متنزه نظیر بهشت است، خاصه بلوک شمیران که در شمال این قریه واقع است» (شعبان زاده، ۱۳۷۸، ۴۵).

مسیو اولیویه، سیاستمدار و پزشک فرانسوی که در زمان سلطنت آقامحمدخان قاجار در سال ۱۶۱۸ م (۱۰۲۸ هجری قمری) به ایران آمده است در سفرنامه خود در خصوص باغ‌های تهران، میوه‌هایش، آب‌های جاری و درختان چنار آن می‌نویسد. او همچنین از منطقه تجریش تهران نیز گذر کرده است و در خصوص توصیف منظر و جغرافیای طبیعی آن به یکصد و پنجاه خانه در ضلع شرقی رودخانه، زمین‌های هموار و قابل زراعت و مساعد از تهران تا تجریش، و کثرت گیاه‌ها و آب‌های جاری و نظافت محله‌ها و کوچه‌ها اشاره کرده است (اولیویه، ۱۳۷۱).

از دلایل توجه به کوهپایه‌های تهران و شکل‌گیری ییلاقات در شمیران، آب‌وهوای ناسالم تهران در فصل تابستان و گرمای بیش از حد آن بوده است. در تاریخ گیتی‌گشا می‌خوانیم که در تابستان ۱۱۷۳ (ه.ق) کریم خان به واسطه بدی هوای تهران به شمیران رفت؛ «چون هوای بلده تهران به حرارت و عفونت مایل و سمیات وبائی در آن ولایت متعدد ... بلوکی است

^۱ نویسنده و جهانگرد اسپانیایی، فرستاده مخصوص هانری سوم پادشاه اسپانیا به نزد تیمور گورکانی

موسوم به شمیران، متصل به بلده طیبه تهران، در دامن کوه واقع و چشمه‌های آب خوش‌گوار جاری و هوایش به سلامت» (معتمدی، ۱۳۹۱، ۵۳).

اوژن فلاندن که در سال‌های ۱۸۴۱-۱۸۴۰م (۱۲۲۱-۱۲۱۹ ه.ش) در زمان محمد شاه قاجار به ایران سفر کرده، به آب‌وهوای مطلوب شمیران در مقایسه با شرایط نامناسب اقلیمی و آلوده تهران اشاره کرده است: «از کوچه‌ها و بازارها که حرارت آفتاب بدان‌ها می‌تابد، در اثر داشتن آب و هوای متعفن، بخارات نامطبوع متصاعد می‌شود که تولید تب و بیماری‌های خطرناک می‌نمایند. بدین لحاظ از ماه مه، دربار، اغنیا و تمامی اشخاصی که با شهر کاری ندارند فرار کرده، به دامنه کوهی که مجاور تهران است مسکن می‌گزینند. تمام دامنه کوه شمیران را دهاتی چند باغات زیاد فرار گرفته و اهالی تهران مدت شش ماه در چادرهایی که در این سرزمین می‌زنند بسر می‌برند» (فلاندن، ۱۳۶۲، ۱۱۲).

مادام کارلا سرنا-جهانگرد ایتالیایی قرن نوزدهم اروپا، که در زمان حکومت قاجار (سلطنت ناصرالدین شاه) از طریق دریای خزر به ایران آمد- در خصوص آب‌وهوای مطبوع شمیران و خانه‌های مردم عادی می‌نویسد: «شمیران که آب‌وهوای خنک و سالمی دارد برای اروپائیان مقیم تهران به مثابه حومه روح نواز پاریس که مورد علاقه خاص و عام است، می‌باشد. اما در شمیران، آسایش و رفاه آن شهرک‌ها وجود ندارد. مردم این قصبه، در خانه‌های کوچکی سکونت اختیار می‌کنند که خرابه‌ای بیش نیستند و حتی روی دیوارهای گلین خانه‌ها هیچ چیز نمایده‌اند. بعضی از خانه‌ها به قدری کوچک و کم‌جا و در حال فروریختن است که مردم ترجیح می‌دهند به جای اتاق‌های آن در زیر چادرها زندگی کنند. اغلب این خانه‌ها به روستائیان تعلق دارند. آن‌ها زمستان‌ها را در خانه‌های خود می‌گذرانند، ولی در فصل تابستان خانه‌های خویش را در مقابل پول ناچیزی در اختیار علاقمندان گذاشته و خود به دنبال پیدا کردن کار به جاهای دیگر می‌روند... فروشنده‌گان و مقاطعه‌کاران مختلف اروپایی هم به تبعیت از اهالی شهر، در بیلاق اقامت می‌کنند... دهکده‌های عمده شمیران در تابستان‌ها به محلی سرشار از جمعیت و رفت‌وآمد و جارو جنجال زندگی تبدیل می‌شود» (سرنا، ۱۳۶۲، ۲۰۱).

مادام دیالافوا از دیگر سفرنامه نویسان خارجی که در سال ۱۸۸۱م (۱۲۶۰ ه.ش) ضمن سفر به ایران در زمان ناصرالدین شاه، از تهران و شمیران دیدن کرده است، به ترک کارمندان سفارتخانه‌ها در شهر و گذراندن تابستان در باغ‌های بیلاقی شمیران همچون باغ-عمارت قلهک (سفارت انگلیس)، باغ-عمارت زرگنده (سفارت روس‌ها) و باغ-عمارت‌های فرانسوی‌ها، ترک‌ها و سایرین و همچنین چادرهای سفارت فرانسه در بالای دره کوچک در تجریش اشاره کرده است (دیالافوا، ۱۳۸۴، ۱۶۴).

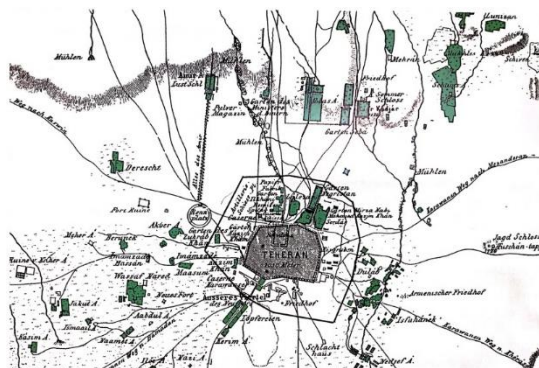
ادوارد پولاک پزشک مخصوص ناصرالدین شاه نیز به اهمیت شمیران و آب‌وهوای مطلوب و لزوم گذراندن بیلاق در شمیران برای گریز از آب‌وهوای بد شهر تهران اشاره می‌کند: «چون از تمهیدات بهداشتی برای تمیز نگاهداشتن شهر تهران کلا اثری نمی‌توان جست، در تابستان خیابان‌ها چندان کثیف و هوا چندان گرم و خفه‌کننده و آب حوض‌ها آن قدر مانده و متعفن و پشه‌ها و مگس‌ها چنان مزاحمند که رفتن به بیلاق امری لازم و غیر قابل اجتناب می‌شود. نقاط بیلاقی برای مردم تهران در دامنه کوه‌های البرز در ده‌های مختلف قرار دارد و از کلیه آن‌ها با نام واحد شمیران یاد می‌شود. این روستاها با رستنی‌های فراوان، هوای معتدل، آب زلال، خنکی شب‌ها، یخ بلورین کوه‌های مجاور، خانه‌ها و باغ‌های روستائی بسیار، بر تهران برتری بسیار دارند... نمایندگان کشورهای اروپائی نیز در تابستان در اینجا اقامت می‌کنند؛ سفارت‌های روس و انگلیس از سال‌ها پیش دو ده (زرگنده و قلهک) را بالتمام برای اقامتگاه بیلاقی خود در اختیار گرفته‌اند، درحالی که وزرای مختار دیگر دولت‌ها برای خود خانه‌های بزرگی اجاره می‌کنند» (پولاک، ۱۳۶۸، ۶۳). در نوشته‌های معاصر نیز می‌توان وصف شمیران و آب‌وهوای مطلوب آن را یافت. ستاره فرمانفرمایان می‌نویسد: «شمیران بیشه‌ی بزرگ پر دار و درختی بود که مزارع گندم و ذرت و خیار، روستاهای پراکنده آن را از یکدیگر جدا می‌کرد. درختان بید بر دره‌های تنگ و سنگی آن سایه می‌انداخت. آب نهرهای کوچک از آبگیرها به سمت خاک خشک و تشنه باغ‌های میوه و مزارع اطراف هدایت می‌شد» (فرمانفرمایان، ۱۳۸۳، ۸۰). بنابراین ارزش‌های ذاتی، قابلیت‌ها و ظرفیت‌های محیطی قابل توجه شمیران زمینه را برای بهره‌برداری و مصارف ساکنین تهران و به خصوص شاهان و رجال دربار قاجار و دوره‌های بعدی فراهم کرده است.

۳-۳. باغ-عمارت‌های تهران در درون حصار (دوره قاجار)

با انتخاب تهران به عنوان پایتخت توسط آغا محمد خان قاجار، احداث کاخ-باغ‌ها، کوچه‌ها و خیابان‌ها شکل نوینی به شهر داد. تهران به دلیل شرایط مساعد طبیعی و بافت کوهپایه‌ای آن زمینه مناسبی برای توسعه باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی

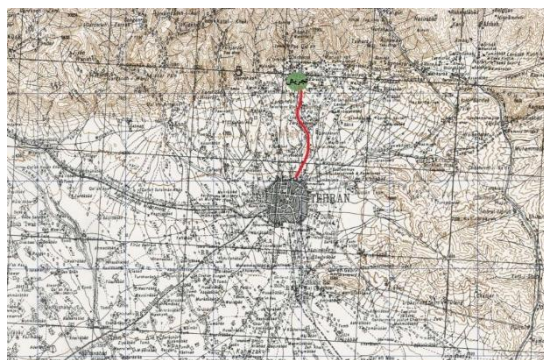
مطالعه قطعه شهری متأثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

ایجاد کرد. در نقشه جدید شهر تهران در زمان فتحعلی شاه، باغ-کاخ گلستان در درون حصار و همزمان باغ‌های نگارستان، مسعودیه، نظامیه، لاله زار، و قصر قاجار در خارج از حصار طهماسبی احداث شد (تصویر ۱). فتحعلی شاه محل سکونت خود را از کاخ گلستان در درون شهر به باغ‌های خارج از دیوار (باغ نگارستان) انتقال داد (بهبهانی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۴۸). به تدریج بزرگان و اعیان به احداث باغ‌های تفریحی و خانه‌های بیلاقی متعددی پرداختند که از میان این باغات معروفترین آن‌ها قصر قاجار بود که به صورت تراس‌بندی سازماندهی شده بود. نظام ساختاری و عناصر این باغ‌ها هنوز براساس سنت باغسازی ایرانی است.



شکل ۱: تهران و باغ‌های آن در درون و بیرون حصار، ۱۸۸۰ م. (مأخذ: URL2)

سفرهای متعدد ناصرالدین شاه، اعزام دانشجویان و هنرمندان به خارج، حضور سفرای خارجی در تهران سبب گسترش ارتباطات با دنیای غرب شد و این خود دلیلی بر تاثیرگذاری بر فرهنگ ایران گردید. این تاثیرپذیری را می‌توان در احداث خیابان‌ها و میدان، نامسازی در معماری و تزئینات آن و در باغسازی در احداث باغ-قصرها، باغ-عمارت‌ها در ابعاد وسیع در مناطق بیلاقی تهران مشاهده کرد. با تغییر حصار شهر در دوره ناصری، دروازه‌های قدیمی، باغ‌ها و کوشک‌ها داخل شهر قرار گرفتند (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶، ۲۶) و ساختار شهر به صورت خانه و کوچه در آمد، ولی هنوز تهران محصور در دیوار بوده و حومه نیز بیلاق. به علت رشد سریع کالبدی شهر و اشغال سطح درون بارو، قصرهای سلطنتی، کوشک‌های اعیانی، سفارتخانه‌ها و خانه‌های خارجیان در بیرون حصار شهر ساخته شدند (تصویر ۲).



شکل ۲: مرکز شهر در حصار ناصری و کوهپایه‌های شمال تهران در شمیران (مأخذ: URL3)

۳-۴. باغ-عمارت‌های تهران در بیرون حصار ناصری (دوره قاجار)

شهر تهران در زمان ناصرالدین شاه از تمام جهات رشد کرد. رشد شهر در نواحی شمالی بیش از سایر نواحی بود (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶، ۲۹). زیرا، بستر کوهپایه بیرون حصار ناصری به واسطه شیب مناسب، وجود رود-دره‌ها و مبدأ آب‌های جاری از شمیران و دامنه‌های توچال، پوشش گیاهی متنوع، سبب شکلگیری روستاهای خوش آب‌وهوا و بیلاقی در خارج از دیوارهای تهران شد؛ به طوری که درباریان و اشراف در زمین‌های بایر و زراعی متعلق به روستاهای اطراف تهران، خارج از دیوارهای شمالی شهر، باغ‌ها و عمارات بیلاقی احداث کردند؛ باغ‌های سلطنت‌آباد، شهرستانک، فرمانیه، کامرانیه و صاحبقرانیه از آن جمله‌اند.

در اواخر دوره قاجار توسعه ساختار تهران با باغ آمیخته شده و در شکلگیری فضای شهری موثر بوده است (بهبهانی، ۱۳۹۳، ۱۴۸). کریستف لودو در خصوص ساختار شهر تهران در شمیران می‌نویسد: «... خانه‌های شمیران در میان باغ‌ها در شهر

ساختار کوچه-باغی ایجاد کرده بود. این کوچه-باغ‌های قدیمی و یگانه شمیران با آن شیروانی‌های حلیبی خانه‌ها، با ایوان‌هایی که ستون سفید دارند، با دیوارهای کهنی که بالای آن‌ها از تکه‌های حلیبی زنگ زده پوشیده شده، ما را به عصری می‌برند که شمیران مجموعه‌ای از کوچه‌ها و باغ‌های ایرانی پر از شکوفه‌های میوه و درخت‌های چنار تبریزی بوده است» (لودو، ۱۳۷۶، ۱۴).

۳-۵. ساختار فضایی باغ در بیلاقات شمیران (دروه قاجار)

ساختار باغ‌ها در ایران بر پایه محور و نظم هندسی شکل گرفته است. محور طولی باغ را به دو بخش تقسیم می‌کرده و میان سردر ورودی و بنای اصلی رابطه بصری-کالبدی توسط این محور صورت می‌گرفت. آب در امتداد محور جریان داشت. عنصر اصلی ساختار باغ در بخش بیرونی محور بود و تعریف کننده منظر باغ. در اندرونی باغ، حیاط متصل کننده بناها به یکدیگر بود. ترکیب بندی مذکور در باغ فرمانیه و مسعودیه دیده می‌شود. باغ‌های دیگری نیز وجود دارند که به وسیله دو محور عمود بر هم تفکیک شده باشند و در محل تقاطع دو محور بنا یا آب قرار دارد. در مقابل در باغ‌هایی که در دامنه کوهپایه ساخته می‌شدند، محور در امتداد شیب زمین به صورت پله‌ای شکل می‌گرفت و محوطه باغ از طریق تراس بندی در ارتفاعات مختلف سازماندهی می‌شد (بهبهانی و دیگران، ۱۳۸۱، ۸۷). همچنین، برقراری رابطه بصری میان باغ و مناظر دوردست (منظر شهر، منظر کشاورزی، منظر کوه) این مناظر جایگزین رابطه بصری منظر درون باغ در امتداد محور بین بنا و سردر شد. بدین ترتیب رابطه بصری با مناظر دوردست در باغ‌های دوران قاجار اهمیت ویژه‌ای یافت. این یکی از دلایل احداث ویلاهای بیلاقی از سوی اشراف و درباریان و سفرای خارجی در کوهپایه بود. در این باغ‌ها با ایجاد سطح بندی و شیب (تصویر ۳)، باغ از بهترین مناظر موجود برخوردار شد (بهبهانی و دیگران، ۱۳۹۳، ۱۴۸). این موضوع را می‌توان در سفرنامه هنریش کارل بروگش یافت. او می‌نویسد: «بهترین گردشگاه‌های تهران، باغ‌های سبز و خرمی است که در دامنه‌های کوه‌های البرز، احداث شده است. منظره این گردشگاه‌ها از دور هم فوق‌العاده فرح بخش است... به این بیلاقات شمیران می‌گویند» (بروگش، ۱۳۷۴، ۱۰۹). همچنین در باغ‌های رنسانسی رویکردی مشابه دیده می‌شود؛ احداث ویلا-باغ‌ها را در مکانی در نظر می‌گرفتند که رابطه بصری با منظر دور برقرار شود (بهبهانی، ۱۳۹۲، ۱۹).



شکل ۳: محور در امتداد شیب زمین به صورت پله‌ای، خانه‌ای ویلایی و باغ اش در خیابان نمازی شمیران (مأخذ: لودو، ۱۳۷۶)

۳-۶. تاثیر غرب بر ساختار باغ-عمارت‌های بیلاقی شمیران

همانطور که ذکر شد، ایجاد و احداث عمارت‌ها و باغات در دوره قاجار برای فرار از گرمای تهران و گذراندن اوقات تابستان صورت گرفته است. فتحعلی شاه قصر قاجار را در حوالی شهر که یک عمارت بیلاقی است بنا کرد که در زمان ناصرالدین شاه وسعت زیاد پیدا کرد و دارای مبل و اسباب‌های فرنگی شد. پس از آن باغ سلطنت آباد است که در معماری آن تاثیر غرب را می‌توان دید. عمارتی که شاه با حرم سرای خود و خدم و حشم فراوان از شهر به آنجا برای بیلاقی می‌رفت (فرسیو، ۱۳۹۲، ۲۰). کارلا سرنا (جهانگرد ایتالیایی) درباره این باغ می‌نویسد: «اسباب و اثاث اروپایی اتاق‌های سلطنت آباد بسیار بازاری و عاری از سلیقه خوب است. اهالی مشرق زمین جنون خاصی دارند که به جای استفاده از ذوق هنری ملی کشورشان اتاق‌های خود را با اشیای آشغال محصول اروپا تزئین کنند» (سرنا، ۱۳۶۲، ۶۰۸). بنابراین، علاقه و گرایش به محصول غربی و برتر دانستن آن در میان شاهان قاجار دیده می‌شود. هنریش کارل بروگش نیز در سفرنامه خود با نام

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

«سفری به دربار سلطان صاحبقران»، در وصف تاثیر غرب بر ساختار باغسازی تهران پس از بازگشت ناصرالدین شاه از سفر فرنگ می‌نویسد: «شاه (ناصرالدین شاه) پس از مراجعت از سفر اروپا، تصمیم گرفت پایتخت را توسعه دهد و خیابان‌ها را عریض کند و نور و هوا را وارد کوچه‌های تنگ و تاریک نماید و همچنین با احداث باغ‌ها و بلوارهای جدید امکان گردش در زیر سایه درختان پر شاخ و برگ را برای اهالی شهر فراهم سازد... در قسمت شمالی شهر، این فضای خالی [فاصله بین حصار قدیمی و جدید] تا اندازه‌ای پر شد؛ شاه و تعدادی از رجال با ساختن عمارت‌ها و باغ‌های جدید، پیشگام سایر شهروندان شدند و تا آنجا که آب‌وهوا و آداب و رسوم اجازه می‌داد، از شیوه معماری اروپایی استفاده کردند. امروزه ساختمان‌های قشنگ و زیبایی که تعدادی از آن‌ها دو طبقه و دارای بام سفالی یا شیروانی است در گوشه و کنار شهر دیده می‌شود. اما بیشترین عمارت‌ها را در وسط باغ‌های بزرگ و باصفایی که با معیارهای اروپا نیز از هر حیث کامل و زیبا هستند، احداث کرده‌اند. و درختی که بیش از همه به باغ‌های تهران زیبایی بخشیده درخت چنار است که سایه مطبوعی دارد. در باغ‌های ایران حوض‌های بزرگی وجود دارد که درونشان پر از ماهی‌های قرمز و طلائی است و در وسطشان فواره‌ای نصب شده است. در این باغ‌ها آبشارهای مصنوعی و جوی‌های عریض تعبیه می‌کنند و آن‌ها را با کاشی‌های پر نقش و نگار می‌پوشانند، درختکاری‌ها و گلکاری‌ها چمنزار دلفریب دارد و کوشک‌هایی که به آن‌ها "کلاه فرنگی" می‌گویند ساخته می‌شود. از بالای دیوار این باغ‌ها قلل پوشیده از برف البرز دیده می‌شود...» (بروکش، ۱۳۷۴، ۸۳).

حضور چمن در باغسازی را می‌توان یکی از عناصر غربی دانست که به پوشش گیاهی باغ‌ها نفوذ کرد. در ملاقات اولیویه و همراهانش با حاجی ابراهیم خان اعتماد الدوله وزیر اول، در باغ- عمارت وی می‌خوانیم: «دو ساعت بعد از ظهر به عمارت وی بار یافتیم. گفتند به حضور شاه رفته‌اند. ما را به جهت انتظار به باغی داخل کردند که درختی نداشت و چمن بود و گل‌های خوب کاشته بودند...» (مستوفی، ۱۳۶۰، ۵۱).

از تغییرات دیگر در سازمان فضایی باغ- عمارت‌های قاجار، تغییر در فضای اندرونی آن‌ها است. در خلال یادداشت‌های عبدالله مستوفی شکل‌گیری فردیت جدید در دروه ناصری و بازتاب آن در فضای اندرون دیده می‌شود. طرح معماری اندرون جدید، که در آن برخلاف ترتیبات قبلی هر کدام از زنان شاه واحد مسکونی مجزایی برای خود داشتند. فوریه در سفرنامه خود در باب فضای زندگی امینه اقدس، یکی از زنان محبوب ناصرالدین شاه، بیان می‌دارد که عمارت اندرون امینه اقدس دارای فضاهای اختصاصی از جمله حمام، اتاق نشیمن و خوابگاه از بقیه‌ی زن‌های حرم بوده است. وی تاکید می‌کند اکثریت زنان دربار دارای فضاهای خصوصی مستقل به خود بوده‌اند (فوریه، ۱۳۶۶، ۲۲۵). این شیوه سازمان‌دهی فضایی اندرون در تقابل با نگاه سنتی فضای اندرون بود. در دوران قبل به خصوص در دوران صفویه، آرایش فضاهای اندرون طوری بود که اهل اندرون به شیوه جمع به اموات زندگی خود می‌پرداختند؛ از جمله حمام رفتن، غذا خوردن و حتی خواب (بانی مسعود، ۱۳۹۱، ۷۹). در مجموعه باغشاه فرمانفرما و باغ بیلاقی وی در شمیران نیز جدایی اندرونی همسران وی دیده می‌شود. ستاره، فرزند فرمانفرما در خاطرات به مجموعه باغشاه متعلق به چهارتن از هشت همسر شازده اشاره کرده است. «خانه عزت‌الدوله (دختر مظفرالدین شاه)، معصومه، بتول، فاطمه در این مجموعه قرار داشت» (فرمانفرمائیان، ۱۳۸۳، ۲۲). حافظ فرمانفرمائیان نیز در رابطه با باغ- عمارت فرمانفرما در جنوب کوچه ذغالی‌ها، به وجود چندین خانه و آشپزخانه در باغ و برپا کردن چادرها در تابستان توسط شازده در باغ اشاره کرده است. این چادرها عملکردی همچون خانه را داشته و دارای در و پنجره بوده است (فرمانفرمائیان، ۱۳۸۸).

همراه با شناخت رویکردهای مختلف به منظر و نظام ساختاری باغ در دوره قاجار در درون و بیرون حصار و به ویژه بستر شکلگیری باغ- عمارت‌های بیلاقی در کوهپایه‌ها و همچنین تاثیرپذیری از غرب و بازتاب آن در شهر، معماری و باغسازی آن از طریق بررسی متون تاریخی، سفرنامه‌ها، خاطرات و تصاویر؛ قطعه شهری مورد مطالعه- شامل باغ- عمارت‌های بیلاقی دوره قاجار متعلق به رجال و اعیان- در ضلع جنوبی بازار تجریش از طریق پیمایش‌های میدانی، تحلسل ساختار کالبدی- فضایی و عناصر متشکله مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴. روش تحقیق

از آنجایی که هدف پژوهش حاضر بررسی نحوه شکلگیری و تغییر ساختار کالبدی- فضایی و الگوی باغ- عمارت‌های بیلاقی قاجار در یک قطعه شهری انتخابی با پیشینه تاریخی طولانی در تهران در گذر زمان است، رویکرد پژوهش تاریخی- تفسیری است. گردآوری داده‌ها از طریق اسناد کتابخانه‌ای شامل سفرنامه‌ها، خاطرات رجال دوره قاجار، نقشه‌ها و تصاویر

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

هوایی و مطالعات میدانی انجام شده است. در روش میدانی از مشاهده و مصاحبه نیمه ساختاریافته در جهت جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. با استفاده از این روش می‌توان راجع به تفکر فرد نسبت به مناظری خاص اطلاعات به دست آورد و ذهنیات فرد را مورد سنجش قرارداد. در جهت دستیابی به آنچه از گذشته در ذهن استفاده‌کنندگان از محدوده شهری مورد مطالعه باقی مانده مصاحبه‌ای صورت گرفت. روش نمونه‌گیری گلوله برفی است. جامعه آماری از ساکنین قدیمی محل انتخاب شد که از زمان کودکی در آنجا زندگی کرده‌اند زیرا محله تجریش در گذر زمان تغییراتی کرده است که در خلال این تغییرات برخی از عناصر شاخص به صورت مشخص در فضا باقی مانده و برخی دیگر را تنها می‌توان در ذهن ساکنین جستجو کرد. در تحلیل داده‌ها نیز از استدلال استقرایی استفاده شده است و با تحلیل توصیف‌های سفرنامه نویسان در متون تاریخی در باب ساختار تهران در منطقه شمیران و باغ-عمارت‌های ویلایی آن، خاطرات جمعی ساکنان قدیمی محدوده شهری مورد مطالعه و همچنین مقایسه و تحلیل نقشه‌های هوایی محدوده در طی زمان می‌توان به نحوه شکلگیری ساختار فضایی آن و تغییرات کالبدی پی برد.

۴.۱. محدوده مورد مطالعه

قطعه شهری مورد مطالعه، در منطقه یک تهران و محله تجریش در شمیران واقع شده است و از شمال به کوچه محمودی (کوچه ذغالی های سابق)، از جنوب به کوچه سلیمان زاده (کوچه کاشف سابق)، از شرق به خیابان شریعی (شمیران قدیم) و از غرب به کوچه فوقانی و پارک آرزو (باغ دیبا) محدود می‌شود (شکل ۴).



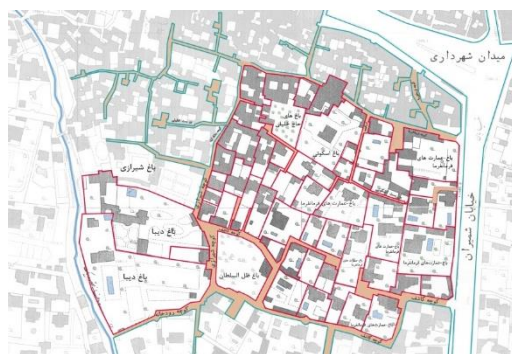
شکل ۴: محدوده قطعه شهری، مورد مطالعه. (مأخذ: URL1)

۵. بحث و یافته‌ها

۵.۱. نحوه قطعه بندی و ساختار باغ-عمارت‌ها در محدوده شهری مورد مطالعه

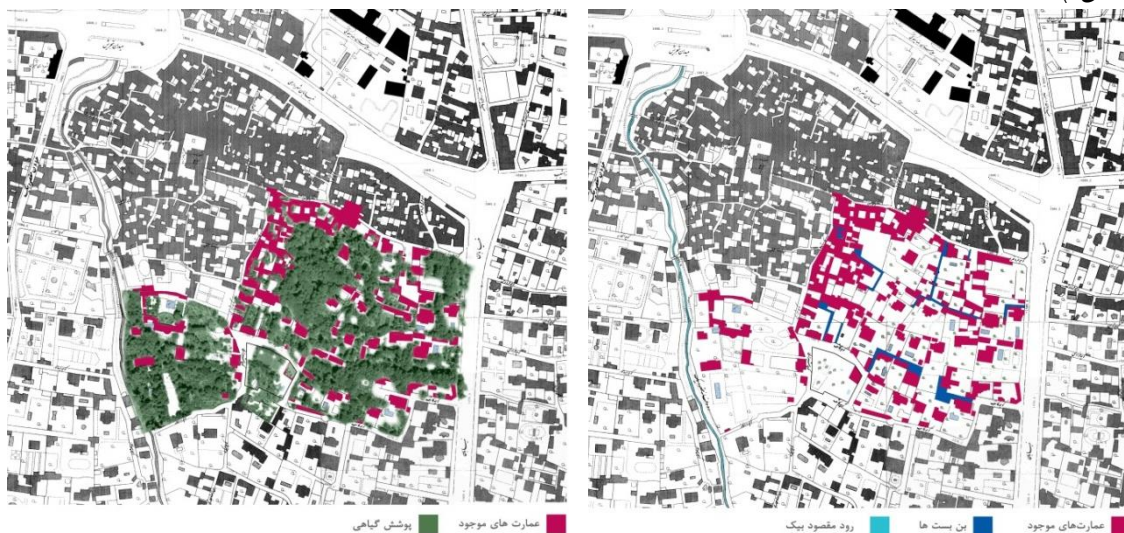
محدوده شهری مورد مطالعه را باغ-عمارت‌های رجال قاجار و اعیان همچون فرمانفرما، ظل‌السلطان، ابوالحسن دیبا، کاشف-السلطنه و خلیلی و در کنار آن‌ها باغ-عمارت‌های کوچک‌تر متعلق به مردم عادی و زمین‌های زراعی تشکیل می‌داد. شکلگیری این محدوده نیز در زمان قاجار صورت گرفت. با توجه به نقشه قدیمی تهیه شده از این محدوده در سال ۱۳۴۳ ه.ش، می‌توان ساختار قطعه‌بندی گذشته آن را قرائت کرد. در مجاورت خیابان شمیران قطعات بزرگ‌تر قرار دارد که متعلق به باغ-عمارت‌های فرمانفرما، دیوارهای پیرامون آن و سردر آجری آن است. باغ دیبا نیز محدوده وسیعی در جنوب این محدوده در مجاورت رود-دره مقصود بک را به خود اختصاص داده است. بخش شمال غربی قطعات باغ‌های حاج خلیلی و خانه‌های آن را تشکیل می‌دهد که به نسبت بزرگ‌اند (گفتگوی شخصی ۱۵ دی ماه ۱۳۹۸). در ادامه هر چه از سمت شرق قطعه شهری به سمت غرب پیش می‌رویم از وسعت قطعات کاسته می‌شود تا در جبهه غربی مجاور کوچه شیرازی به باغ-عمارت‌های کوچک می‌رسد (شکل ۵). قطعات باغات به وسیله دیوارهای کاهگلی و آجری از یکدیگر تفکیک شده است و درون هر قطعه ساختمان‌های متعدد با کاربری مسکونی و خدماتی به صورت پراکنده در میان انبوه درختان سازماندهی شده‌اند. عمارت‌های اصلی و سر در، در یک محور قرار نگرفته‌اند. به عبارتی الگوی رایج باغسازی ایرانی همچون محور، تقارن و نظم هندسی در این باغ-عمارت‌ها دیده نمی‌شود. در مقابل هر ساختمان یک استخر کوچک مشاهده می‌شود و ارتباط ساختمان‌ها از طریق حیاط‌های اندرونی صورت می‌گرفته است و سردر و ساختمان‌های مربوط به آن بخش بیرونی باغ را تشکیل می‌دادند.

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران



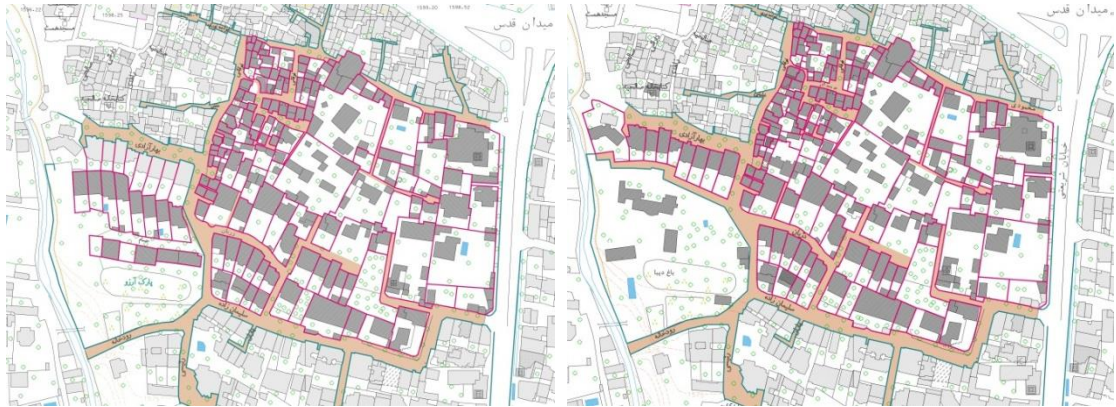
شکل ۵: قطعه بندی و ساختار باغ-عمارت‌های بیلاقی در قطعه شهری مورد مطالعه در سال ۱۳۴۳. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

مسیرهای رفت آمد در میان باغات به صورت کوچه-باغ‌های باریک، تنگ و بن بست بوده است. بافت نامنظم و ارگانیک این محدوده شهری بیانگر شکلگیری آن با توجه به بستر طبیعی و شیب زمین (شمالی-جنوبی) و توجه به توان طبیعی محیطی آن بوده است (شکل ۶).



شکل ۶: نقشه کوچه‌های بن بست، عمارت‌های موجود و باغات در محدوده شهری مورد مطالعه در سال ۱۳۴۳. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

در عکس‌های هوایی که در سال ۱۳۷۹ از این محدوده تهیه شده است، تغییرات عمده در بخش غربی آن صورت گرفته است. به طوری که بخش وسیعی از باغ حاج خلیلی که در آن درختان انبوهی وجود داشته تخریب و ساختمان‌های مسکونی جایگزین آن شده است. علاوه بر این بخشی از خانه‌های ویلایی در مجاور کوچه ذغالی‌ها (محمودی کنونی) به منظور احداث کوچه فوقانی تخریب می‌شوند و کوچه فوقانی به بن بست باغچه خلیلی متصل می‌شود. بخش شمالی باغ دبا که متعلق به خاندان شیرازی بوده است، تخریب و ردیف ساختمان‌های مسکونی کوتاه‌مرتبه و خیابان بن بست مقابل آن (بهار آزادی) احداث می‌شود. در باغچه خلیلی نیز بار دیگر بخشی از باغ تخریب و آپارتمان‌های مسکونی ساخته می‌شوند. تغییرات در بخش باغ‌های فرمانفرما در این دهه اندک است. تنها در بخش شمالی آن در کوچه ذغالی‌ها سازمان تامین اجتماعی و در باغ اسکویی ساختمان بنیاد نهج البلاغه احداث می‌شود. این دو ساختمان در دهه‌های پیشین در مکان عمارت‌های ویلایی احداث می‌شوند. در کوچه کاشف مجتمع فرهنگی شهید آوینی ساخته می‌شود که از سال ۱۳۷۸ مشغول به فعالیت است. بخش مرکزی محدوده نیز دست نخورده باقی می‌ماند (شکل ۷).



شکل ۷: تغییرات در قطعه بندی باغ-عمارت‌ها در محدوده شهری مورد مطالعه، سال‌های ۱۳۷۹ (سمت راست) و ۱۳۸۵ (سمت چپ). (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

در نقشه تهیه شده در سال ۱۳۸۵، هنوز می‌توان ساختار کوچه-باغ‌های تنگ و باریک و بن‌بست‌های منتهی به باغات و خانه‌ها را مشاهده کرد. به عبارتی خودروها در داخل بافت وجود ندارند، به جز در برخی نقاط شامل: کوچه کاشف، زریان، خیابان فوقانی و کوچه فوقانی در محدوده باغچه خلیلی که عرض مناسب برای عبور و مرور خودروها را دارند (شکل ۸).



شکل ۸: ساختار ارگانیک کوچه‌های بن‌بست. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

۲.۵. باغ عمارت‌های فرمانفرما

بخش وسیعی از محدوده شهری مورد مطالعه را باغ-عمارت‌های شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما تشکیل می‌داد. این باغ از شمال به کوچه ذغالی‌ها؛ از غرب به اراضی میرزا حسن خان مستوفی الممالک و باغ میرزا ابوالحسن خان ثقه الدوله دیبا؛ از جنوب به کوچه کاشف یا کمیسری؛ و از شرق به جاده قدیم شمیران (خیابان شریعتی امروز) محدود می‌شد (دانشنامه تهران بزرگ، ج ۲، ۴۸۷). شاهزاده فرمانفرما در اواخر عمر خود باغ-عمارت‌های خور را میان همسران و فرزندان تقسیم کرد (شکل ۹).

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران



شکل ۹: نقشه باغ بیلاقی فرمانفرما در سال ۱۳۴۳. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

نام پیشین این باغ رضوانیه بوده است. باغ رضوانیه که در ابتدا به باغ معتمدالدوله شهرت داشت توسط فرهاد میرزا معتمدالدوله پسر پانزدهم عباس میرزا نایب السلطنه به شیوه باغ‌های اروپایی، با استخرها و فواره‌های زیاد ساخته شد (بنجامین ۸۸، ۱۳۶۳، ۹۲). سموئل بنجامین گرین درباره این باغ می‌نویسد: «معتمدالدوله در تنگ کوهی در کنار جوی پر صدائی، عمارت و تفرجگاهی بنا کرد و در باغ خود، آبشارهای مصنوعی قرار داده که همه آن‌ها بعد در جوی مزبور می‌ریزند» (بنجامین، ۱۳۶۳، ۱۶۲).

ستاره فرمانفرمائی‌ان نیز از این باغ با نام رضوانیه یاد می‌کند و می‌نویسد: «رضوانیه باغی سرسبز با عمارتی بزرگ و چند ساختمان کوچک‌تر تاپستانی بود (شکل ۱۰). این باغ در حدود ۱۵ کیلومتر دور از مجموعه اطلس، به سمت شمال نزدیک روستای تجریش و در بلندی‌های خنک و مطبوع شمیران بود» (فرمانفرمائی‌ان، ۱۳۸۳، ۸۰). در این باغ، همچون باغ اطلس که محل سکونت دائمی عبدالحسین میرزا فرمانفرما و خانواده اش در تهران بود، هر کدام از همسران او، خانه و بخش ویژه خود را داشتند» (فرمانفرمائی‌ان، ۱۳۸۳، ۸۶). در بزرگ باغ بیرونی او به کوچه رضوانیه (کوچه کاشف) باز می‌شد، ولی قسمت مهم آن در میان باغ‌ها محصور بود و دو رشته قنات مخلوط با هم از میان آن‌ها می‌گذشت. عبدالله مستوفی نیز در شرح زندگانی من به کوچه کاشف و بیلاق در باغ معتمد الدوله اشاره کرده و می‌نویسد: «برادرم آقا میرزا رضا در همان نزدیکی (باغچه اجاره‌ای مستوفی در همان کوچه کاشف) به باغ معتمد الدوله‌ای به بیلاق می‌رفت» (مستوفی، ۱۳۴۳، ۳۳۱/۱).



شکل ۱۰: عمارت‌های بیلاقی فرمانفرما، با استخر و درختان باقی مانده در باغ، انتهای بن بست اسکویی.

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

در این دوران هر باغ دارای یک یا چند قنات بوده و سازماندهی هندسی آن را مسیر آبیاری تعیین می‌کرده است (بهیمنی و دیگران، ۱۳۸۲، ۹۳). درختان باغ و استخر بزرگ رضوانیه توسط آب قنات امام زاده صالح، کهریز و قنات موسی خانی یا پاپاریان سیراب می‌شدند. آب قنات موسی‌خانی به مدت ۴۸ ساعت در گردش ۷، به فرمانفرما تعلق داشت. آب این دو قنات افزون بر سیراب کردن درختان باغ و زمین‌های کشاورزی اطراف آن، در داخل باغ رضوانیه به یکدیگر ملحق می‌شدند و یک جوی آب دائمی تشکیل می‌دادند که از ویژگی‌های این باغ به شمار می‌آمد (ستوده، ۱۳۷۱، ۲۱۳/۱). قنات مصطفی قلی خانی نیز از بیمارستان شهدای تجریش (پهلوی) شروع می‌شد و به قنات کهریز می‌ریخت و در منزل کشفیا (علی گلپر) - مجتمع تجاری پردیس امروزی - این دو قنات یکی می‌شدند. مظهر قنات کهریز تکیه پایین تجریش بوده است. در ادامه مسیر، آب قنات وارد باغ شازده بهمن میرزا و باغ‌های فرمانفرما می‌شده است و در انتها در ابتدای خیابان شمیران (شریعی) در یک

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

استخر بزرگ جمع شده و پس از عبور از زیر خیابان شریعتی (به صورت شرقی-غربی) وارد زمین‌های کشاورزی طایفه محقق در آن طرف خیابان می‌شده است (صالحی، ۱۳۹۶).

فرمانفرما هر ساله با شروع فصل گرما همه خانواده خود شامل همسران، فرزندان، دایه‌ها، خدمت‌کاران و خانواده‌های ایشان و همچنین چند آموزگار خانوادگی را به رضوانیه کوچ می‌داد. او خود اصرار داشت که در چادر زندگی کند و همچون چادرنشینان، مایل بود هر چند روز یکبار به محل تازه‌ای در باغ منتقل شود. این امر موجب بی‌نظمی و اغتشاش در باغ می‌شد. فرمانفرما به ندرت در باغ می‌ماند. او پس از صرف شام به تهران باز می‌گشت تا روزها در جلسات دولتی و خصوصی شرکت کند (فرمانفرمایان، ۱۳۸۳، ۹۰).

۳-۵. ساختار فضایی باغ فرمانفرما

از دوره قاجار به بعد به تدریج در بعضی از باغ‌های سکونتگاهی اعیان و رجال، به جای احداث دو بخش ساختمانی اندرونی و کوشک، یک ساختمان بزرگ به عنوان اندرونی و محل زندگی می‌ساختند که ایده طراحی آن مانند کوشک بود. بدین معنی که ساختمان در میانه باغ قرار می‌گرفت و چهار طرف آن فضای باز و سبز قرار داشت. این نیز بیانگر تغییر در الگوهای رفتاری، نگرش و بینش برخی رجال قاجار تحت تاثیر الگوها و رفتارهای غربی صورت گرفت (سلطانزاده، ۱۳۸۲، ۱۰۰). محدوده باغ فرمانفرما شامل عمارت‌های اصلی و ساختمان‌های وابسته به آن می‌شد. هر عمارت تابستانی متعلق به یکی از همسران فرمانفرما بوده است و ساختاری همچون کوشک را داشته‌اند. محوطه اطراف هر عمارت نیز شامل استخر مقابل آن و درختان بلند و سایه انداز (به خصوص چنار تبریزی و کاج) می‌شد. عمارت‌ها و باغ اطراف آن به وسیله دیوارهایی از یکدیگر جدا می‌شدند و از هر حیاط اندرونی به حیاط دیگر دری برای ارتباط وجود داشته است (شکل ۱۱). در پایین‌ترین بخش باغ، قسمت جنوبی، حیاط بیرونی و سردر آجری باغ قرار گرفته است. قرارگیری بناها بر روی شیب طبیعی زمین، رابطه بصری منظر درون باغ و مناظر دوردست را تعریف می‌کرد. در واقع رابطه بصری منظر درون باغ که در امتداد بین محور بین بنا و سردر در باغ‌های مرکز شهر تهران وجود داشت، در گذر به کوهپایه تغییر کرده است.



شکل ۱۱: ساختار باغ فرمانفرما. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

۴.۵. باغ فرمانفرما در گذر زمان

با انقراض قاجاریه در سال ۱۳۰۴ ه.ش و خانه‌نشینی فرمانفرما، او در سال ۱۳۰۸ ه.ش تصمیم گرفت تا دارایی‌های خود را میان همسران و فرزندان تقسیم کند. بر این اساس، باغ رضوانیه به نسبت‌های مختلف میان برخی از همسران و فرزندان وی تقسیم شد. آخرین باری که خانواده فرمانفرما به صورت جمعی در رضوانیه حضور یافتند، در سال ۱۳۱۷ ه.ش بود. در آن سال بخش بزرگی از مجموعه باغ اطلس به منظور احداث خیابان سپه خراب شد و فرمانفرما دستور داد که همه اعضای

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

خانواده به باغ رضوانیه منتقل شوند (فرمانفرمائی، ۱۳۸۳، ۱۳۷-۱۳۴). در سال ۱۳۱۸ ه.ش، هر یک از همسران و فرزندان فرمانفرما که در ملک رضوانیه سهمی داشتند، به مرور شروع به ساخت خانه‌هایی برای خود کردند. این خانه‌ها از داخل حیاط توسط درهایی به یکدیگر راه داشتند. خانه‌های فرزندان فرمانفرمائی و یکی از همسران او بدین ترتیب قرار گرفته بود: خانه صبار، در جبهه غربی جاده قدیم شمیران؛ خانه‌های علینقی، کاوه و مریم در ضلع شمالی خیابان کاشف؛ و خانه‌های بهمن، ستاره و فاطمه خانم شیرازی (همسر فرمانفرما) در ضلع شمالی محدوده و جنوب تکیه پایین تجریش (شکل ۱۲).



شکل ۱۲: موقعیت خانه‌های خاندان فرمانفرما. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

صبار فرمانفرما، باغ خود را وقف انیستیتو پاستور می‌کند. در تاریخ ۱۳۸۸ باغ مذکور با شماره ثبت ملی میراث فرهنگی شد. مساحت ملک ۴۸۴۳ متر مربع است که شامل یک قطعه باغ به انضمام چهار باب مغازه است که به دلیل عملیات عمرانی مترو در این باغ، تنها اثر باقی مانده از مجموعه، دیوار و سردر باغ است.

محل استقرار عمارت سردر در طرح گسترده باغ ایرانی، در جداره بیرونی و در کنار راه دسترسی اصلی به باغ است. از لحاظ عملکردی، مکان سکونت باغبانان، نگهبانان، و سایر کارکنان خدماتی باغ بوده است. بناهای سردر، در حقیقت بیرونی باغ یا محل پذیرایی باغ محسوب می‌شدند (پیرنیا، ۱۳۸۵، ۶). در باغ فرمانفرما نیز از عمارت سردر تنها سر در آجری آن با ستون‌های تزئینی و نقوش سینه کبکی و گیاهی به همراه کاشی‌کاری‌های مختصر در کتیبه‌های آن باقی است (شکل ۱۳).



شکل ۱۳: سردر باغ فرمانفرما. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بخش عمده‌ای از این خانه‌ها توسط دولت جدید مصادره شد. در دهل ۷۰، بخش شمالی باغ رضوانیه تخریب و سازمان تامین اجتماعی شعبه شمیران جایگزین آن شد. در ادامه نیز سه ویلای دیگر در این باغ در بخش شرقی تخریب شدند و با ساختمان‌های دیگری جایگزین شدند. در باغ-ویلاهای فرمانفرما در کوچه کاشف، خانه مریم فرمانفرما حفظ شد و خانه مجاور آن تخریب و به جای آن و همچنین در فضای باز و سبز آن مجتمع فرهنگی شهید آوینی احداث شد. در اثر این تخریب‌ها، بسیاری از درختان این باغ‌ها قطع شدند. عمارت موجود در بن بست اسکویی نیز حفظ شده است و اکنون ساکنان آن از نوادگان مریم فرمانفرما هستند. خانه‌های موجود در باغ بهمن فرمانفرما نیز که در ضلع جنوبی تکیه تجریش واقع شده، اکنون به بنیاد نهج‌البلاغه و مؤسسه فرهنگی ورزشی شهید علیرضا افشار اختصاص یافته است. اکنون خانه‌های همجوار سر در باغ در کوچه کاشف تخریب شده و زیر ساخت‌وسازهای جدید و بلند مرتبه تجاری رفته است.

مطالعه قطعه شهری متاثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

اکنون از باغ فرمانفرما تنها ساختمانی که وقف انیستیتو پاستور شده بود و سردر معروف آجری آن، خانهٔ مریم فرمانفرما در مجاورت بنیاد فرهنگی شهید آوینی و عمارت‌های بن بست اسکویی باقی مانده است (شکل ۱۴).



ساختار فیزیکی ۱۳۲۹ ساختار فیزیکی ۱۳۴۳ باغ ظل‌السلطان تخریب شده در دهه ۴۰ محدوده خانه باغ های فرمانفرما

شکل ۱۴: دگرگونی باغ-ویلاهای بیلابقی فرمانفرما. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

در حال حاضر اکثر باغات و عمارت‌های خانواده فرمانفرما که در امتداد خیابان اصلی شریعتی واقع شده بودند، تخریب و برج‌های تجاری-اداری به جای آن‌ها در حال ساخت است. برای مثال پروژهٔ کاشف (تجاری-اداری) با طراحی مهندسین مشاور طرح نقش سیال معماری، در باغ صبار فرمانفرما در کوچهٔ کاشف، با ۱۱ طبقه زیر زمین و ۸ طبقه روی زمین ساخته شده است (شکل ۱۵).



شکل ۱۵: تغییرات محدودهٔ شهری مورد مطالعه در دهه اخیر. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

۵- ۴- ۱. شیوهٔ زیست در باغ فرمانفرما

در گفتگوی حافظ فرمانفرمائیان و منوچهر اسکندری قاجار در ۱۷ بهمن ۱۳۸۸ در تگزاس، حافظ فرمانفرمائیان در رابطه با شیوه زندگی در باغ رضوانیه می‌گوید: «منازل ما در شمیران باغ بود، دو تا سه آشپزخانه و اتاق‌هایی برای پناه بردن در هنگام بارندگی وجود داشت. در تابستان چادرهای بزرگ برپا می‌کردند که به آن‌ها پوش می‌گفتند و عملکردی همچون یک خانه را داشت. داخل آن دارای نشیمنگاه بود و در و پنجره‌های بافته شده داشت. آب فروان قنات در باغ جاری بود. دیگر خبری از خزینه نبود. گرم کردن حمام با هیزم بود و بعدها به وسیلهٔ نفت آب حمام گرم می‌شد. بشکه‌هایی را از آب پر می‌کردند و در بالا نصب می‌کردند و از دوش برای استحمام استفاده می‌شد. تلبه به صورت دستی بود و توسط یک مستخدم کنترل می‌شد. شیر آب گرم و سرد وجود داشت. در رختکن حمام نیز خانم‌ها غذا می‌خوردند (به خصوص میوه انار)» (فرمانفرمائیان، ۱۳۸۸). برای همسران فرمانفرما اجازه خروج از اندرونی وجود نداشت. البته بین اندرونی و بیرونی ارتباط دائم وجود داشت و درشکه‌ها مرتباً در خیابان‌های شنی باغ رفت‌وآمد می‌کردند. خدمتکاران مرد بیرونی پیوسته به اندرونی می‌آمدند تا پیغام‌های شازده را

مطالعه قطعه شهری متأثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

به همسران وی برسانند، یا سینی‌های پر از غذا و میوه را از آشپزخانه به خانه‌ها منتقل کنند و یا برای تامین سوخت خانه‌ها، ذغال و هیزم برسانند. هیچ مردی به جز اقوام نزدیک، اجازه ورود به اندرونی را نداشت (فرمانفرمائی، ۱۳۸۳، ۲۲). در واقع خواهجه‌ها به عنوان واسطه بین دنیای اندرونی و بیرونی عمل می‌کردند.

زندگی در باغ ییلاقی رضوانیه برای ساکنین آن به معنای گذراندن اوقات فراغت تابستان، گردش در کوهپایه‌ها و بازار تجریش و آزادی و کم شدن مسئولیت در مقایسه با زندگی درون شهر در باغ اطلس بوده است. همراه فرمانفرمائی نیز در خاطرات خود (زیر نگاه پدر) ادراک و احساسات خود نسبت به شمیران و گذران زندگی در باغ رضوانیه را چنین عنوان می‌کند: «کلمه شمیران برای من نه تنها باغ‌های سر به فلک کشیده، درختان تنومند، فضاهای وسیع، کوه‌های عظیم و آسمان آبی، دشت و کوهپایه فراخ را مجسم می‌کرد، بلکه سه ماه تمام گردش، کوهپیمایی، آزادی، شوخی و خنده با خواهران، بدون مسئولیت کار، مدرسه و معلم را شامل می‌شد، به ویژه که امتیاز رفتن به بازار تجریش را هم در برداشت» (فرمانفرمائی، ۱۳۹۳، ۱۴۳). در جایی دیگر وی اشاره می‌کند: «... تابستان‌ها پس از امتحانات آخر سال تحصیلی برای سه ماه منزل‌های شهری را ترک و به شمیران نقل مکان می‌کردیم. پسرها در باغ بیرونی درس می‌خواندند و بازی می‌کردند و دخترها در باغ‌های اندرونی برنامه‌های خود را داشتند. هفته‌ای سه روز در هفته تعلیم نقاشی و سه روز دیگر آموزش فن موسیقی داشتند. دو خیابان شمالی و جنوبی پهن از دو طرف عمارت اندرونی بتول خانم (همسر فرمانفرما) می‌گذشتند که حاشیه آن‌ها را درختان افرا کاشته بودند. میز چوبی محکم و شش صندلی چوبی در خیابان شرقی، دور از رفت‌وآمد اندرونی، گذاشته بودند که محل درس و کار ما دخترها بود. چهار عدد سه پایه برای گذاشتن پرده‌های نقاشی، رنگ روغن، قلم مو و کلیه وسایل لازم در دسترس ما قرار داشت. برنامه‌های تابستان بسیار سبک و مطبوع بود...» (فرمانفرمائی، ۱۳۹۳، ۱۳۳).

۵-۵. باغ ثقه الدوله

در انتهای کوچه کاشف و مجاور رود-دره تجریش باغ ابوالحسن دیبا (ملقب به ثقه الدوله) فرزند ملک‌تاج نجم‌السلطنه نوه عباس میرزا ولیعهد قرار داشت، که امروز به پارک آرزو تغییر یافته است. قنات ملوله رو به روی باغ ثقه الدوله است. این قنات در سال ۱۳۴۲ خشک شد (ستوده، ۱۳۷۱، ۲۰۲/۱). با توجه به نقشه استخراج شده از این باغ، ساختاری متفاوت از باغ‌های سنتی ایرانی با نظمی هندسی و محور دیده می‌شود. تاثیر اسلوب غربی در پارک‌سازی و تعامل با فرهنگ غربی در ساختار باغ مشاهده می‌شود. وجود ساختمانی با ایوان ستوندار سفید و با تاثیر از الگوی غربی در بخش شمالی باغ، هندسه نامنظم و فرم‌های آزاد در فضاهای سبز، قرار نگرفتن حوض آب بر امتداد محور بنا در برخی نقاط باغ و مسیرهای منحنی حاکی از این امر است (شکل ۱۶).



شکل ۱۶: نقشه باغ ثقه الدوله (ابوالحسن دیبا). (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

۵-۶. باغچه خلیلی

رضا الیاسی (۶۹ ساله) که جد مادری آن مرحوم «حاج خلیلی» است در رابطه با باغچه خلیلی می‌گوید: «کسی که زمین‌های باغ به او تعلق داشت و دست به خیری او تا حدی بود که اگر کسی از هم‌محلی‌ها یا کاسبان به او می‌گفت خانهای برای زن و بچه‌ام ندارم، تکه‌ای از باغچه را به او می‌بخشید و می‌گفت بیا اینجا خانها را بساز. به همین ترتیب بخش زیادی از زمین وسیع باغچه خلیلی بخشیده شد». در حال حاضر فقط خانواده الیاسی و یکی از پسران مرحوم خلیلی در این محل

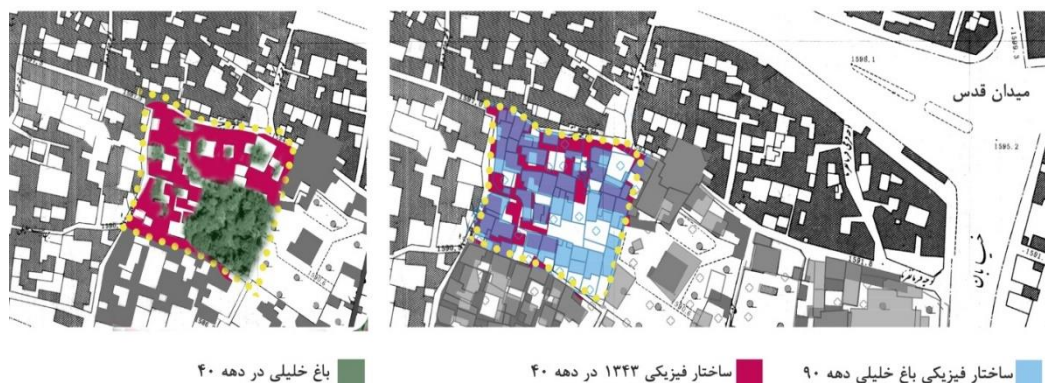
خانه دارند. الیاسی می‌گوید: «پدر بزرگم از میان خاطراتش، تابستان‌های خنک شمیران را به یاد می‌آورد. تهرانی‌ها تابستان می‌آمدند و در باغچه خلیلی چادر می‌زدند. پدر بزرگم هیچ اعتراضی نمی‌کرد که چرا در زمین او چادر زدند» پنج متر زیر باغچه به قنات می‌رسد و الیاسی، این را دلیل سرسبزی درختان چنار این باغ عنوان می‌کند (گفتگوی شخصی ۱۸ دی ماه ۱۳۹۸). با توجه به گفته‌های آقای الیاسی و نقشه استخراج شده از باغچه خلیلی می‌توان به صحت گفته‌های وی پی برد. بخش وسیعی از باغ خلیلی را محوطه‌ها باز باغ و درختان انبوه آن تشکیل می‌داد، که فضای مناسبی برای چادر زدن و اقامت در تابستان بود. ساختار خانه‌ها نیز به صورت باغچه‌هایی با اندرونی و بیرونی مجزا و شامل اتاق‌ها و ایوان‌های رو به حیاط بوده است. بافت متراکم خانه‌ها و قطعه‌بندی‌های به نسبت کوچک‌تر آن نسبت به ساختار باغ-عمارت‌های فرمانفرما، نشان‌دهنده واگذاری قطعه قطعه باغ توسط حاج خلیلی به خانواده‌های مختلف برای ساخت خانه بوده است (شکل ۱۸).



شکل ۱۷: نقشه باغچه خلیلی. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

۱.۶.۵. باغچه خلیلی در گذر زمان

در ساختار اصلی باغچه خلیلی، باغ-عمارت‌های بیلابقی و کوچه‌های پر پیچ و خم و بن بست دیده می‌شود. در ضلع شمالی و غربی در امتداد کوچه محمودی و خیابان فوقانی، نیز مغازه‌هایی از گذشته باقی مانده‌اند که شامل سمنو پزی، نانوائی، لبنیاتی، سوپرمارکت، ابزار آلات، جوشکاری و غیره می‌شوند. با گذشت زمان در بخش جنوب شرقی این محدوده که باغ بزرگی بوده ساختمان‌های مسکونی ساخته می‌شود و بسیاری از درختان آن بریده می‌شوند (شکل ۱۹).



شکل ۱۸: تغییرات باغچه خلیلی در گذر زمان. (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

علاوه بر این در ساختار کنونی باغچه خلیلی، خانه‌های ویلایی جای خود را به آپارتمان‌های مسکونی داده‌اند و تنها شمار اندکی از آن‌ها در بافت باقی مانده است (شکل ۱۹).

۷.۵. کوچه کاشف و باغ‌های آن

کوچه کاشف که طبق مدارک موجود در سابق کوچه کمیسری نامیده می‌شد و دلیل این تسمیه آن بود که سوئدی‌های تشکیل دهنده شهربانی جدید ایران، به اواخر دوره احمدشاه، کلانتری شمیران را در یکی از خانه‌های این کوچه تاسیس



شکل ۱۹: آپارتمان های نوساز (سمت راست) و ویلاهای باقیمانده از گذشته (سمت چپ) در باغچه خلیلی، ۱۳۹۸ (مأخذ: نگارندگان)

کرده بودند. این کوچه که از خیابان دکتر شریعتی منشعب می‌شود، در انتهای خود با پیچی به یک کوچه کوتاه شمالی و جنوبی می‌رسد و بعد با پیچ نود درجه‌ای، این کوچه شمالی و جنوبی به کوچه عریض و طولیل شرقی غربی تبدیل می‌شود که ضلع شمالی آن دیوار جنوبی باغ رضوانیه فرمانفرماست (شکل ۲۰). این کوچه در سابق، به آخر خود در قسمت شمال، اراضی مرحوم مستوفی الممالک (میرزا حسن خان) راه داشت که بعدها قطعه قطعه شد و به فروش رفت و به انتهای خود نیز، به باغ ثقه الدوله دیبا (برادر ناتنی دکتر مصدق) و رودخانه دربند می‌رسید (همراه با تجریش از گذشته‌ها، ۱۳۸۳).



شکل ۲۰: کوچه کاشف و باغ های آن، (مأخذ: نگارندگان)

۶. نتیجه گیری

پژوهش حاضر به منظور بررسی و مطالعه روند شکلگیری و تغییرات باغ-عمارت‌های کوهپایه‌ای شمیران در ضلع جنوب غربی میدان قدس شامل باغات بیلاقی دوره قاجار در شمیران و شناخت مؤلفه‌های تاثیرگذار محیطی (بستر طبیعی)، انسانی (ارزش‌های فرهنگی) و اجتماعی در شکلگیری منظر آن در گذر زمان صورت گرفت. بستر طبیعی کوهپایه‌های شمیران، منابع طبیعی آب‌های جاری، هوای مناسب در تابستان و زمین‌های مرغوب برای باغبانی و کشاورزی سبب شکل‌گیری باغ-عمارت‌های بیلاقی در خارج حصار شهر تهران در دوره قاجار شد. شاهان قاجار شروع به ساخت قصرهای بیلاقی خود با الهام‌گیری از کاخ‌های غربی در میان باغ‌ها و درختان آن‌ها، در مناطق شمالی تهران کردند. به تبع آن‌ها، رجال دربار نیز برای خود باغ-عمارت‌هایی در شمیران ساختند. همچنین سفیران خارجی در دوران قاجار نیز هر کدام در یکی از باغات بیلاقی (قلهک، زرگنده، فرمانیه و ...) ساکن شدند. در ساختار باغ-عمارت‌های بیلاقی قطعه شهری مورد مطالعه سه گونه متفاوت در سازماندهی فضایی باغ دیده می‌شود؛ در مقیاس بزرگ و درشت دانه با چندین باغ اندرونی که متعلق به باغات فرمانفرما از رجال دوره قاجار است. در این باغ، عمارت‌های اصلی (اندرونی‌های هر یک از همسران فرمانفرما) به صورت کوشک و ساختمان‌های وابسته به آن به صورت نامنظم و با توجه به بستر طبیعی و شیبدار زمین سازماندهی شده‌اند. در مقابل عمارت‌های اصلی استخرهای آب کوچک مقیاس قرار گرفته است و اطراف آن‌ها را نیز فضاهای باز باغ و درختان بلند و سایه‌انداز تعریف کرده است. در فضای باغ چادر زدن در فصل تابستان مرسوم بوده است. چادرهایی که عملکردی همچون

یک خانه را داشته است. بخش بیرونی را نیز عمارت سردر تشکیل داده است که ورودی اصلی باغ بوده است. زیبایی آن از بیرون بیانگر جایگاه اجتماعی و قدرت ساکنان آن بوده است. محدوده باغ نیز توسط دیوارهایی محصور بوده است. در ساختار باغ خلیلی خانه‌ها به صورت متراکم با حیاط‌های اندرونی و بیرونی و باغ‌های کوچک درون آن‌ها در کنار یکدیگر سازماندهی شده‌اند. این امر نیز به دلیل بخشندگی حاج خلیلی و قطعه‌قطعه کردن زمین‌های باغ و واگذاری آن به مردم عادی، به خصوص زوج‌های جوان برای شروع زندگی جدید بوده است. علاوه بر این در باغ وی در فصل تابستان برای گذران اوقات فراغت چاردهای بیلاقی توسط مردم عادی برپا می‌شده است.

در گونه سوم (باغ دیبا)، علاوه بر وجود عمارت اصلی و ساختمان‌های وابسته به آن و عمارت سردر، فضاهای سبز با نظم هندسی جدید، شامل خطوط منحنی و فرم‌های آزاد دیده می‌شود، که حاکی از تاثیر الگوی طراحی فضاهای سبز در غرب است، همچون فرم‌های آزاد در باغ‌های انگلیسی.

محور اصلی، یا محورهای عمود بر هم و تقسیم‌بندی براساس آن و قرارگیری بنا و سردر بر یک محور که در الگوهای باغسازی سنتی ایرانی رایج است در باغ‌های مذکور دیده نمی‌شود.

کوچه‌های پر پیچ و خم و بن بست نیز مسیرهای ارتباطی در بافت را تشکیل می‌دادند و از قنات برای تامین آب استفاده می‌شده است که با توجه به شیب شمالی-جنوبی زمین، آب در باغات جریان پیدا می‌کرده است.

با گذشت زمان و توسعه شهر، خیابان‌کشی‌های جدید، نیاز به مسکن شهری با رشد جمعیت، قطعه‌بندی‌های کوچک شهری و همچنین مصادره شدن برخی از املاک و باغ‌ها، شروع دگرگونی در بافت این قطعه شهری آغاز شد. به طوری که در دهه ۴۰ باغ ظل‌السلطان با ساختمان‌های مسکونی که به صورت ردیفی در کنار هم قرار گرفته‌اند، جایگزین شد. روند تغییرات پس از پیروزی انقلاب سرعت بیشتری یافت. باغ دیبا تبدیل به پارک آرزو شد و عمارت‌های موجود در آن تخریب و در بخش شمالی باغ، ردیف ساختمان‌های مسکونی سه طبقه مشرف به پارک ساخته شدند. این موضوع بیانگر، نیاز به مسکن با رشد جمعیت و گسترش شهر تهران تا این منطقه، بالا رفتن ارزش کاربری‌های مسکونی و تجاری در مقایسه با کاربری‌های فضای سبز همچون باغ‌ها است که سبب تخریب درختان و ساختمان‌های ویلایی آن‌ها و ساخت آپارتمان‌های مسکونی به جای آن‌ها شده است؛ روندی که تاکنون ادامه یافته است. اکنون فضای باز باقی‌مانده در بافت و همچنین ساختمان‌های کوته مرتبه آن را خطر تجاری سازی تهدید می‌کند، مثال بارز آن تخریب عمارت‌ها و باغ فرمانفرما در بخش شمالی کوچه کاشف است. البته نکته قابل توجه این است که هنوز ساختار کوچه‌های بن بست و تنگ محدوده حفظ شده است و تردد خودرو در داخل بافت محدود است.

باغ-عمارت‌هایی که ساختار خود را حفظ کرده‌اند بیش‌تر در محدوده مرکزی این قطعه شهری‌اند که هنوز تعدادی از ساکنان اصلی آن در آن ساکن‌اند، از جمله خانواده فرمانفرما و خلیلی. در قسمت غربی بن بست اسکویی نیز ساختمان‌ها تغییر کاربری یافته‌اند و به جای آن رویکرد برج‌سازی و تجاری‌سازی، در این بخش دنبال شده است. بدین معنی که ساختمان‌های یک طبقه با سقف‌های شیروانی که با بافت اصیل اطراف همخوانی دارد در محوطه سبز قرار گرفته‌اند.

با ادامه یافتن روند قطعه‌قطعه کردن باغات و قطع درختان آن به منظور ساخت برج‌های مسکونی و تجاری، بیم از بین رفتن لکه‌های سبز بزرگ باقیمانده و ساختار کوچه-باغی قطعه شهری مورد مطالعه وجود دارد. روندی که در سایر قطعه‌های شهری این منطقه اتفاق افتاده و سبب گسست در بافت شهری شده است. بنابراین مطالعه و بررسی اکوسیستم قطعات شهری به منظور حفظ حیات آن‌ها که وابسته به تعامل ساختارهای اکولوژیکی و طبیعی آن با عناصر انسان ساخت بوده و اتخاذ تصمیمات درست در رابطه با حیات آینده آن‌ها ضروری است. زیرا که حیات و سلامت شهر از دیرباز در گرو حضور و شناسایی توان طبیعی محیطی و تعامل با آن بوده است.

۷. منابع فارسی و انگلیسی

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۸)، *مرآت البلدان* (۳ جلد)، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران
- اولیویه، گیوم آنتوان. (۱۳۷۱). *سفرنامه اولیویه، تاریخ اجتماعی-اقتصادی ایران در دوران آغازین عصر قاجار*، ترجمه: محمد طاهر میرزا. تهران: انتشارات اطلاعات.

مطالعه قطعه شهری متأثر از الگوی باغسازی قاجار در تهران

- ایرانی بهبهانی، هما. (۱۳۷۳). *سیر تغییر پارک‌های شهری از قرن ۱۵ به امروز در غرب*، فصلنامه علمی فضای سبز، ۲(۶ و ۵)، ۳۰-۳۳.
- ایرانی بهبهانی، هما، (۱۳۸۲). *شاخص‌ها و ویژگی‌های باغسازی دوران قاجار در تهران*. محیط‌شناسی، ۲۹(۳۰): ۸۱-۹۹.
- بانی مسعود، امیر. (۱۳۹۱). *معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته*. تهران: هنر معماری غرب.
- برانت لند. (۱۹۸۷). گزارش به نام "آینده مشترک ما".
- بنجامین، ساموئل گرین، (۱۳۶۳). *ایران و ایرانیان (عصر ناصرالدین شاه)*. ترجمه: محمد حسین کرد بچه، تهران: انتشارات جاویدان.
- پولاک، یاکوب ادوارد. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*. ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- حاج غنی، مهدیه؛ احمدی، فریال. (۱۳۹۴). *مروری بر ادبیات اکولوژی منظر*. منظر، ۷(۳۲): ۶۰-۶۸.
- حمیدی، ملیحه. (۱۳۷۶). *استخوان بندی شهر تهران*. تهران: معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران.
- *دانشنامه تهران بزرگ*. (۱۳۹۲). تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- دیولافوا. مادام ژان. (۱۳۸۴). *ایران، کلد و شوش*. ترجمه: علی محمد فره وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ستوده، منوچهر. (۱۳۷۱). *جغرافیای تاریخی شمیران*، تهران: پژوهشگاه موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سلطانه‌زاده، حسین، (۱۳۸۲). *از باغ تا پارک*. نامه انسان‌شناسی، ۱(۴)، ۹۱-۱۱۳.
- شعبان زاده. بهمن. (۱۳۷۸). *تاریخ تهران*، تهران: انتشارات کتاب همراه.
- شهری، جعفر. (۱۳۶۹). *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم: زندگی، کسب و کار*. (جلد ۱ و ۲). تهران: رسا.
- شیل، لیدی مری. (۱۳۶۸). *خاطرات لیدی شیل*. ترجمه: حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- فایل صوتی مصاحبه نگارندگان با آقای عباس صالحی (از کسبه و ساکن قدیمی محل) در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۰۲
- فرسیو، سارا. (۱۳۹۲). *شمیران، قصرها و باغ‌ها*. فرهنگ مردم، ۱۲(۴۵ و ۴۶): ۱۶-۴۰.
- فرمانفرمائی، حافظ. (۱۳۹۱). فایل صوتی گفتگوی حافظ و منوچهر اسکندری قاجار، شماره سند 1015A9. Retrieved October 2019 from <http://www.qajarwomen.org/fa/items/1015A9.html>
- فرمانفرمایان، ستاره. (۱۳۸۳). *دختری از ایران*، خاطرات دختر فرمانفرما: ستاره فرمانفرمایان، تهران: نشر پیوسته.
- فرمانفرمایان، مهرماه. (۱۳۹۳). *زیر نگاه پدر، خاطرات مهرماه فرمانفرمایان از اندرونی*، تهران: انتشارات کویر.
- فالاندن، اوژن. *سفرنامه اوژن فالاندن به ایران*، ترجمه: حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی.
- کریمان، حسین. (۱۳۵۶). *قصران (کوهساران)*. (جلد ۱)، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- کلاویخو، روی گونزالس. (۱۳۷۴). *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- لودو، کریستف. (۱۳۷۶). *شمیران، یا، باغهای گمشده*. تهران: انتشارات ایران زمین.
- مادام کارلا سرنا. (۱۳۶۳). *آدم‌ها و آئین‌ها در ایران*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: انتشارات زوار.
- مستوفی، عبدالله. (۱۳۴۳). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*. جلد ۳. تهران: زواره.
- مک هارگ، ایان. (۱۳۸۹). *طراحی با طبیعت*. ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- موسوی، محمد صادق. (۱۳۶۳). *تاریخ گیتی‌گشای*، تهران: اقبال.
- همراه با تجریش از گذشته‌ها. (۱۳۸۳). همشهری آنلاین، سال دوازدهم، شماره ۳۳۴۰.
- هنریش بروکش. (۱۳۷۴). *در سرزمین آفتاب*. ترجمه: مجید جلیوند، تهران: نشر مرکز.
- یاکوب ادوارد، پولاک. (۱۳۶۸). *سفرنامه پولاک "ایران و ایرانیان"*. ترجمه: کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- URL1: Google earth. (2019). *Map of Tehran, Tajrish district*. Retrieved June 19, 2019, from <https://earth.google.com>.
- URL2: Old maps online. (2019). *First Tehran map 1826*. Retrieved June 25, 2019, from www.oldmapsonline.org.
- URL3: University of Texas Libraries. (2019). *Old map of Tehran (Qajar era)*. Retrieved June 25, 2019, from www.lib.utexas.edu.
- Council of Europe. 2000. *European Landscape Convention* [Details of Treaty, No.176]. Retrieved August 2019 from <http://www.coe.int/en/web/conventions/Treaty.176>.

A Study on urban plot influenced by Qajar's gardening pattern in Tehran

Zahra Azami¹

Abstract

Considering the history of creating gardens in Iran, a close relationship between its natural and cultural context can be seen. The study of natural and cultural context of Qajar dynasty in Tehran reveals the relationship between mountains, foothills and the city of Tehran. The form and shape of the land used to provide a suitable and favorable climate for agriculture and horticulture. Westernization influenced by trips of Qajar men to western countries changed the form of Tehran gardens, garden-castles and mansions of Qajar royals. With the development of Tehran and its expansion in the following periods and the influx of immigrants, the increase in population and the need for housing, caused the destruction of many gardens, agricultural lands, garden-mansions in the foothills of Shemiran and the replacement of them by settlements, commercial and residential towers in following decades. This movement was shaped without considering the natural capabilities of the environment, identity of the place, culture and the values of the neighborhoods in these foothill areas and the lack of proper interaction between man-made structures and the natural environment surrounding them. Currently, the proliferation of garden and mansion-gardens destruction has resulted in fragmentation of urban landscapes.

The preset article is a historical-interpretive research aimed to study the formation and change of a spatial structure in an old urban plot, shaped in Qajar era in Shemiran district, Tehran. Data were collected from library sources, such as historical texts, travelogues, diaries as well as visual documents including photographs and maps and also field studies (semi-structured interview of old residents of the case study). Then, the collected data were analyzed by logical reasoning approach. Also, important environmental (natural context), human (cultural values) and social components in the formation of the plot were investigated in order to preserve its life and sustainability and a necessary prelude to any future intervention in it. The results showed that the spatial structure of the studied urban plot is defined as large-scale summer and private garden-mansions, garden-house or small-scale garden-house. In other words, the development of the city of Tehran in the foothills had been based on the two-way interaction of natural environment (gardens, farms, land slopes and river-valleys) and the city. A large part of the gardens in that urban plot belonged to Prince Abdol-Hossein Farman Farma of the Qajar dynasty and the garden of Abolhassan Diba, Haj Khalili, well-known Oskooi family along with small house-gardens. Its spatial structure also includes garden-mansions and communication routes in the form of narrow and dead-end alleys (garden-alley). The structure of the gardens is different from the common pattern of traditional Iranian gardens, based on axis and geometric order; a combination of traditional Iranian and western patterns (free forms) can be seen instead. In addition, the landscape of summer garden-mansions found a new definition in the transition from fenced gardens to summer foothills. Thus, the visual connection between the main mansions and the distant landscapes became important.

Keywords: Urban Plot, Summer Garden-Mansion, Spatial Structure, Satural Context, Qajar Dynasty

1. PhD student in architecture. Department of Architecture, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. zahraazami12@gmail.com

This article is taken from the findings of the research project "Study of the formation of Shemiran urban fragments in the Qajar period"; Which has been done in the course "Architecture and Nature" in the doctoral program, in 1397 in the Islamic Azad University, Central Tehran Branch.